



سرشناسه: پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور: هفت گام برای زندگی جمعی، با الهامی از فرهنگ رضوی/
نویسنده محمدباقر پورامینی؛ [برای]
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
شابک: 978-600-6543-79-6
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق.
-- نظریه درباره آداب معاشرت اسلامی
موضوع: آداب معاشرت اسلامی
موضوع: اخلاق اسلامی
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی
رده بندی کنگره: ۴۷BP/۱۳۹۱۲۵/۷هـ پ/۹
رده بندی دیوبی: ۹۵۷/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۸۳۱۸



۳۴ → هفت گام برای زندگی جمعی با الهام از فرهنگ رضوی

نویسنده: محمدباقر پورامینی
آستان قدس رضوی
چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمد مهدی باقری
طراح جلد: علی بیات
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی



﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



هفت گام برای زندگی جمعی با الهام از فرهنگ رضوی

پرسش‌های زیر را، در این نوشتار، پاسخ می‌گیرید:

- از امام‌رضا (ع) سخنی شنیده‌ام که طی آن، ایشان به مهرورزی با مردم اصرار دارند؛ لطفاً آن را بیشتر تبیین کنید و از نوع رفتار ایشان بنویسید؟
- دوستان ما چه حقی بر گردن ما دارند؟ برادری به چه معنی است؟
- آیا در زندگی با مردم، می‌توان شاخصی برای بهترین زندگی یا بدترین زندگی مشخص کرد که



ما، خود را با آن بسنجیم و برای بهترشدن، در راستای آن تلاش کنیم؟

• چرا اسلام به انفاق و کمک به دیگران توصیه می‌کند؟ سیرهٔ امام رضا علیه السلام در این زمینه چگونه بوده است؟

• پدر و مادر بخش مهمی از زندگی ما را شکل می‌دهند؛ دربارهٔ حقوق و وظیفه‌ای که در قبال آن‌ها، بر عهدهٔ ماست، توضیح دهید؟

• در خصوص نحوهٔ معاشرت و رفتار با اهل خانواده بگویید. منش امام رضا علیه السلام با خانوادهٔ خود چگونه بود است؟

• از رعایت حقوق مردم و احترام به آنان، زیاد خوانده‌ام. در این زمینه، شیوهٔ امام رضا علیه السلام چگونه بوده است؟

• متأسفانه می‌بینیم که کسی به امر به معروف و نهی از منکر توجهی نمی‌کند و بسیاری مردم از این فریضة مقدس غافل‌اند. از دیدگاه امام هشتم، دربارهٔ آن، توضیح دهید؟



درآمد

هر کس شیوه‌ای برای زندگیِ خود انتخاب می‌کند؛ او با آن سبکِ زیستنِ دمساز است و روزگار می‌گذراند در لاکِ خود است و جز حریمِ زندگیِ خود، دغدغه‌ای ندارد. اما وقتی زندگی را با شاخصی الهی بسنجیم، سبکِ زندگیِ تغییر می‌کند و گسترهٔ وسیعی می‌یابد: دیگران بخشی از زندگیِ انسان می‌شوند و توجه به مردم و رعایت حق آنان، بخش جدایی‌ناپذیرِ افکار و اعمال آدمی می‌شود. در ادامه و در پرتوِ سخن و سیرهٔ امام‌رضا علیه السلام، هفت گامِ زندگی با دیگران را به‌نظاره می‌نشینیم و توفیقِ عمل را از خداوند مهربان، مدد می‌جوییم.



گام اول: مهرورزی



انسان، به صورت فطری، شیفته الفت و رفاقت است و خواهش دل، او را به مهرورزیدن و محبت کردن به دیگر هم‌کیشان خود می‌کشاند. البته در این میان، محبت جوان صمیمانه‌تر و اسرارآمیزتر از دیگران است؛ او قدرت دارد که این محبت را با دقت، مخفی کرده یا به شدت و حرارت، اظهار کند.

هین غذای دل بده از همدلی رُو بجو اقبال را از مُقبلی^۱

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام این دو سخن را روایت کرده‌اند که هر دو، بر مهرورزی و الفت تأکید دارد: اول، «التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ» (= مهرورزی و محبت با مردم، نیمی از عقل است)^۲ و دوم، «رَأْسُ الْعَقْلِ، بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ، التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ.» (= اساس خردورزی، پس از ایمان به خدا،

۱. مثنوی معنوی، ج ۱، بیت ۷۲۶.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۳.



جلب دوستی مردم است.^۱

منش امام آئینه تمام‌نمای آیین الفت و دوستی است: «نوع برخورد و معاشرت پسندیده امام به گونه‌ای بود که بدون استثنا، در دل‌های مردم نفوذ فراوان داشت.»^۲ همواره متبسم و خوش‌رو بودند و در معاشرت نیکو، سرآمد و مثال‌زدنی. ابراهیم بن عباس می‌گفت: «امام رضا با سخن، هرگز به هیچ‌کس جفا نکردند و کلام کسی را نبریدند تا مگر شخص از گفتن، باز ایستد. حاجتی را که می‌توانستند برآورده سازند، رد نمی‌کردند. پاهایشان را دراز نمی‌کردند و هرگز روبه‌روی کسی که نشسته بود، تکیه نمی‌دادند و هیچ‌کس از غلامان و خادمان خود را دشنام نمی‌دادند. هرگز آب دهان بر زمین نمی‌افکندند و در خنده‌شان قهقهه نمی‌زدند، بلکه تبسم می‌کردند.»^۳

۱. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۳۵.

۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۶.



امام با زیردستان و خادمان خود با مهربانی و ملایمت برخورد می کردند: وقتی تنها می شدند، همه آنان را جمع می کردند، بزرگ و کوچک، و با آنان سخن می گفتند؛ با آنان انس می گرفتند و آنان با او در تنهایی، هنگامی که برای امام غذا می آوردند، آن حضرت خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره می نشاندند و با آن ها غذا می خوردند. مردی از اهالی بلخ می گفت که در سفر خراسان با امام رضا علیه السلام همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و امام همه خدمتگزاران و غلامان، حتی سیاهان را، بر آن سفره نشاندند تا همراه او غذا بخورند. من به امام عرض کردم: «فدایتان شوم... بهتر است اینان بر سفره یی جداگانه بنشینند.» فرمودند: «ساکت باش! پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است.»^۱

حضرت به آمدوشدِ مؤمنان با یکدیگر، تأکید داشتند و می فرمودند: «سخی از غذای مردم



می‌خورد تا مردم هم در سر سفره او حاضر شوند و از غذاهای او بخورند؛ ولی بخیل برای اینکه مردم از طعام او نخورند، از خوردن طعام دیگران خودداری می‌کند.^۱ همچنین، ایشان مهمان را دوست می‌داشتند و بر اِکرام او پای می‌فشردند: شبی، امام میهمان داشتند. در میان صحبت، چراغ نقصی پیدا کرد. میهمانِ امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند؛ امام نگذاشتند و خود این کار را انجام دادند و فرمودند: «ما گروهی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی‌گیریم.»^۲

فروتنی امام مثال‌زدنی بود: «یک‌بار، شخصی که امام را نمی‌شناخت، در حمام، از امام خواست تا او را کیسه بکشد. امام پذیرفتند و مشغول شدند. دیگران امام را بدان شخص معرفی کردند و او با شرمندگی به عذرخواهی پرداخت؛ ولی امام، بی‌توجه به عذرخواهی او، همچنان

۱. همان، ج ۴، ص ۴۱.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۸۳.



او را کیسه می کشیدند و او را دلداری می دادند که طوری نشده است.»^۱

۱. ابن شهر آشوب، *المناقب*، ج ۴، ص ۳۶۲.

گام دوم: برادری



مؤمنان برادر یکدیگرند؛ آن گونه که در کتاب الهی به عنوان یک قانون از آن یاد می شود: ﴿أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخُوَّةً﴾^۱ این آیه نسبتی را میان مسلمانان برقرار می سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت، برادری است. اخوت در اسلام، نسبتی است که بین دو نفر برقرار می شود و آثاری شرعی و حقوقی نیز دارد.^۲

امام رضا (علیه السلام) درباره حقوق برادران دینی تأکید داشتند؛ از جمله، به عبدالعظیم حسنی (رحمه الله) چنین بیان فرمودند که به دوستان سلام برسان و به آنان بگو: «در گفتار خویش راست گو باشند و امانت را ادا کنند؛ خاموشی را پیشه خود سازند و از جدال و نزاع بیهوده ای دوری کنند که سودی برایشان ندارد؛ به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند، زیرا این کار موجب نزدیکی به من است؛ خود را به دشمنی و بدگویی با یکدیگر مشغول نسازند، زیرا با خود عهد

۱. حجرات/۱۰.

۲. المیزان، ج ۱۸، ص ۳۱۶.



کرده‌ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند و به‌خشم آورد، خداوند را بخوانم تا او را در دنیا، با شدیدترین عذاب‌ها مجازات کند و در آن سرا نیز از زیان‌کاران خواهد بود.»

... به ایشان بگو: «همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان در گذشته است، مگر کسی را که به خدا شرک بورزد یا دوستی از دوستانم را بیازارد یا کینه آن‌ها را به دل بگیرد؛ به‌درستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد. هرگاه از این اعمال نادرست دوری گزیند، آمرزش خدا را شامل خود کرده است؛ و گرنه، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از ولایت ما خارج شده است و بهره‌ای از ولایت ما نخواهد برد و اعوذ بالله من ذلک.»^۱

۱. شیخ مفید،/الاختصاص، ص ۲۴۷. و مستدرک الوسایل، ج ۹، ص ۱۰۲.



نفع‌رسانی به دیگری می‌تواند شاخصی برای برادری باشد و حرکت در این مسیر، زندگی انسان را از برترین‌ها قرار خواهد داد. علی بن‌شعیب می‌گوید که خدمت امام‌رضا علیه السلام رسیدم؛ به من فرمودند: «ای علی، زندگانی چه کسی بهتر است؟» عرض کردم: «سرور من؛ تو بدان آگاه‌تری تا من.» حضرت علیه السلام فرمودند: «مَنْ حَسَنَ مَعَاشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ.» (= کسی که دیگری از پرتو زندگانی او، زندگی خوبی داشته باشد.) سپس پرسیدند: «حال، زندگانی چه کسی بدتر است؟» عرض کردم: «تو بدان آگاه‌تری.» فرمودند: «مَنْ لَمْ يَعْشُ غَيْرُهُ فِي مَعَاشِهِ.» (= کسی که در پرتو زندگانی او، دیگری زندگانی نکند).^۱

سخن زیر می‌تواند تبیین‌کننده دسته اول باشد: آنان که دیگران از پرتو زندگانی او، زندگی خوبی داشته باشند. از امام‌رضا علیه السلام درباره بهترین بندگان خدا وَعَلَيْهِمُ السَّلَام پرسیدند که آنان کیستند.

۱. تحف العقول، ص ۴۴۸.



امام علیؑ فرمودند: «کسانی که:

أَذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا؛ (= چون نیکی کنند، شاد شوند؛)

وَ أَذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا؛ (= و چون بد کنند، آمرزش خواهند؛)

وَ أَذَا أُعْطُوا شَكَرُوا؛ (= اگر چیزی به آنان دهند، سپاس دارند؛)

وَ أَذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا؛ (= چون گرفتار شوند، بشکینند؛)

وَ أَذَا غَضِبُوا عَفَوْا. (= چون خشمگین شوند، گذشت کنند [و مانع خشم خود شوند].)^۱

است. این ماجرا را سلیمان جعفری گزارش می‌کند:



گام سوم: رعایت حق دیگری



حفظ شأن و کرامت انسان و رعایت حقوقِ آدمی را اصلی کلی در دین تلقی می‌کنند: ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ أَنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (= با بی‌اعتنایی، از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبرِ مغروری را دوست ندارد. در راه‌رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزین] که زشت‌ترین صداها، صدای خران است).^۱

رعایت حقوق مردم اصلی قطعی و خدشه‌ناپذیر در زندگی اجتماعی امام بود. در این سیره الهی، حتی رعایت حق رنج‌کشیدگان، ارزش و کرامت داشت. برای نمونه، توجه به دادنِ دسترنج زحمت‌کش و تعیینِ مُزد، پیش از انجام دادن کار، یکی از نمونه‌های دغدغه‌مندی امام است. این ماجرا را سلیمان جعفری گزارش می‌کند:

۱. لقمان/۱۸ و ۱۹.



برای برخی کارها، خدمت امام بودم و وقتی کارم انجام شد، خواستم مرخص شوم. امام فرمودند که امشب نزد ما بمان. همراه امام به خانه او رفتم. هنگام غروب بود و غلامان حضرت مشغول بنایی بودند. امام در میان آن‌ها غریبه‌ای دیدند و پرسیدند: «این کیست؟» عرض کردند: «به ما کمک می‌کند و به او چیزی خواهیم داد.» فرمودند: «مزدش را تعیین کرده‌اید؟» گفتند: «نه؛ هرچه بدهیم، می‌پذیرد.» امام برآشفتن و خشمگین شدند. من به حضرت عرض کردم: «فدایتان شوم. خود را ناراحت نکنید...» فرمودند: «من بارها به این‌ها گفته‌ام که هیچ‌کس را برای کاری نیاورید؛ مگر آنکه قبلاً مُزدش را تعیین کنید و قرارداد ببندید. کسی که بدون قرارداد و تعیین مزد، کاری انجام دهد، اگر سه‌برابر مُزدش را بدهی، باز گمان می‌کند مزدش را کم داده‌ای. ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدار معین شده پردازی، از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده‌ای و در این صورت، اگر بیش از مقدار تعیین شده، چیزی به او بدهی، هرچند کم



و ناچیز باشد، می‌فهمد که بیشتر پرداخته‌ای و سپاسگزار خواهد بود.»^۱

گام چهارم: دست‌گیری





انفاق و دست‌گیری نیز ضلعی از رابطه انسان مؤمن با جامعه است و مؤمن، بنابه آن، در برابر روزی خدادادی انفاق می‌کند. قرآن وقتی متّقین را توصیف می‌کند، پس از بیان «ایمان به غیب» و «اقامه نماز»، از رابطه نزدیک و بخشش مستمر آنان به خلق خدا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ یاد می‌کند: ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (= و از تمام مواهبی که به آن‌ها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند).^۱

بی‌شک، روزی معنای عامی است که به روزی‌های معنوی و مادی اطلاق می‌شود^۲ و از این‌رو، پرهیزکاران آن‌ها را نه تنها از اموال خود، بلکه از عقل، دانش، نیروهای جسمانی، مقام و موقعیت اجتماعی خود و خلاصه، از تمام سرمایه‌های خویش به آن‌هایی می‌بخشند که نیازمندند؛ بی‌آنکه انتظار پاداشی داشته باشند.^۳ فلسفه انفاق تنها پُرشدنِ خلاءهای اجتماعی

۱. بقره/۳.

۲. «انفاق، اعم از انفاق مالی می‌باشد». //میزان، ج ۱، ص ۴۷.

۳. «جالب اینکه قرآن نمی‌گوید: من اموالهم ینفقون . (= از اموالشان انفاق می‌کنند)، بلکه می‌گوید: ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ﴾ (= از آنچه به آن‌ها روزی



نیست، بلکه رابطه‌ای با ساخته شدن دارد: اینکه انسان چیزی داشته باشد و از خود جدا کند و مظهر رحمانیت خدا ﷻ شود، این امر، نقش بزرگی در ساختن انسان دارد.^۱

قرآن در آیه‌ای دیگر به «بر»^۲ توصیه می‌کند و انفاق مال مورد علاقه را از ارکان آن می‌شمارد و درباره حقیقت بر می‌فرمایند: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (= شما هرگز به حقیقت بر و نیکی نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، [در راه خدا] انفاق کنید).^۳ خدا ﷻ می‌داند که تعلق قلبی انسان به آنچه به دست آورده و جمع کرده است، جزء غریزه اوست: او دوست دارد مال را جمع کند و بشمارد؛ به‌طوری که اگر قسمتی از آن را از دست بدهد، مثل این است که

دادیم.) و به این ترتیب، مسئله «انفاق» را آن‌چنان تعمیم می‌دهد که تمام مواهب مادی و معنوی را در بر می‌گیرد.»، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷۴.

۱. مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۱ و ۲. ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۲. «بر» به معنای توسع در خیر است و اعم از خیر اعتقادی و عملی می‌باشد. ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۰.

۳. آل عمران/۹۲.



جزیی از جان خود را از دست داده است. پس مجاهدت انسان در انفاق مال، بیشتر و دشوارتر از سایر عبادات و اعمال است؛ چون در آن‌ها فوت و زوال و کمبود، چشمگیر نیست.^۱

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیاء خدا از آل محمد، چیزی نخواهید داشت که نزد شما، محبوب‌تر باشد از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله رسیدن به بهشت خداست. کسی که چنین کند، از اولیاء خدا و از مقربین درگاه خدا خواهد بود.»^۲

سیره حضرت رضا علیه السلام همراه با احسان فراوان بود: امام به تنگ‌دستان در نهان صدقه می‌دادند و بیشتر، این کار را در شب‌های تاریک به‌انجام می‌رساندند؛ تا احسان او، شرمندگی نیازمندان را

۱. المیزان، ج ۳، ص ۳۴۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۸۲.



در پی نداشته باشد.^۱ روزی غریبی خدمت امام رسید و سلام کرد و گفت: «من از دوستداران شما و پدران و اجدادتان هستم. از حج بازگشته‌ام و خرجی راه تمام کرده‌ام. اگر مایل‌اید، مبلغی به من مرحمت کنید تا خود را به وطنم برسانم و در آنجا، از جانب شما، معادل همان مبلغ را به مستمندان صدقه خواهم داد؛ زیرا من در شهر خویش فقیر نیستم و اینک در سفر، نیازمند مانده‌ام.» امام برخاستند و به اطاقی دیگر رفتند و دویست دینار آوردند و از بالای در، دست خویش را فراز آوردند و آن شخص را خواندند و فرمودند: «این دویست دینار را بگیر و توشه راه کن و به آن تبرک بجوی و لازم نیست که از جانب من، معادل آن را صدقه بدهی.» آن شخص دینارها را گرفت و رفت. امام از آن اطاق، به جای اول بازگشتند. از ایشان پرسیدند که چرا کاری کردید که شما را هنگام گرفتن دینارها نبیند. فرمودند: «تا شرمندگی نیاز و سؤال

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۶.



را در او نبینم»^۱

ایشان هرچه داشتند، در رفع مشکل نیازمند هزینه می کردند؛ مردی به ابوالحسن رضا علیه السلام برخورد کرد و گفت: «به قدر مردانگی ات بر من ببخش.» امام گفت: «به این مقدار ندارم.» مرد گفت: «به قدر مردانگی خودم ببخش.» امام فرمودند: «این قدر دارم.» سپس فرمودند: «ای غلام؛ دویست دینار به او بده.»^۲

حضرت رضا علیه السلام در واکنش به سخن فضل بن سهل که امام را نسبت به انفاق همه مال خود ملامت می کرد، چنین فرمودند: «لا تَعْدَنَّ مُغْرَمًا مَا اتَّبَعْتَ بِهِ اجْرًا وَ مَكْرَمًا.» (= چیزی که پاداش و کرامت بدان تعلق می گیرد، ضرر محسوب مکن).^۳

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۴ و مناقب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۳۵.



گام پنجم: خاکساری در برابر والدین



بی شک، نوع رفتار با والدین در اولویت نخست آداب معاشرت جای دارد؛ به آن میزان که خداوند عز و جل بدان پای می فشارد: ﴿وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِرَبِّكَ إِلَى الْمَصِيرِ. وَأَنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (= و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با سستی در پی سستی، بارداری کرد و زمان شیرخوارگی وی دو سال بود. [سفارش این بود] که مرا و پدر و مادرت را سپاس بگزار که بازگشت همه به سوی من است و اگر تو را وادارند تا آنچه نمی دانی، برای من شریک آوری، از آنان فرمان نبر؛ و در این جهان، با آنان، به شایستگی همراهی کن و راه کسی را پیش گیر که به درگاه من بازگردد، سپس بازگشتت به سوی من است. آن گاه شما را از آنچه می کرده اید، می آگاهانم.)^۱



قرآن توصیه می‌کند که بر انسان واجب است که در امور دنیوی، نه در احکام شرعی که راه خدا عز و جل است، با پدر و مادر خود به‌طور پسنندیده و متعارف مصاحبت کند، نه به‌طور ناشایست؛ و رعایت حال آن دو را کرده، با رفق و نرمی رفتار کند و جفا و خشونت در حقّشان روا ندارد. در این مسیر، حتی نگاه محبت‌آمیز به پدر و مادر نیز ستودنی است و عبادت شمرده می‌شود.^۱ نیکی به والدین را مهم‌ترین تکلیف الهی تلقی کرده‌اند؛ این رویکرد در سخن حضرت رضا علیه السلام هویداست که آن‌را در قالب نکات زیر ذکر می‌کنیم:

۱.۵ نیکی کردن: «بِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَ إِنْ كُنَّا مُشْرِكِينَ وَ لَطَاعَةٌ لِّهَآ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.» (= نیکی به پدر و مادر، اگرچه مشرک باشند، واجب است؛ ولی محدوده اطاعت از پدر و مادر تا جایی است که اطاعت آن‌ها، معصیت خدا نباشد.)



۲.۵ سپاسگزاری: خداوند به سه چیز، همراه با سه چیز دیگر، امر کرده است؛ از جمله: «أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ.» (= امر کرده است که از او تشکر کنند و سپاسگزار او باشند، همراه با شکر و سپاس از والدین؛ پس هر که از والدین خود تشکر نکرد و آن‌ها را سپاس نگفت، شکر خدا را به‌جا نیاورده و او را سپاس نگفته است).^۱

۳.۵ دوری از عقوق والدین: «حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ، لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْفِيقِ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ تَجَنُّبِ كُفْرِ النِّعْمَةِ وَ أَبْطَالِ الشُّكْرِ، وَ مَا يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قِلَّةِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ، لِمَا فِي الْعُقُوقِ مِنْ قِلَّةِ تَوْقِيرِ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا، وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَلَدِ، وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ بَعْلَةً تَرْكُ الْوَلَدِ بَرُّهُمَا.» (= خداوند متعال عقوق والدین را حرام کرده است و این به‌جهت خروج از اطاعت خداوند و تعظیم والدین و دوری از کفران نعمت و ابطال شکر و سپاسگزاری است. چنانچه عقوق والدین حرام نشده بود، قطع



نسل پیش می‌آمد و احترام پدر و مادر از بین می‌رفت و کسی حقوق آن‌ها را نمی‌شناخت و در نتیجه، قطع رحم می‌شد و پدر و مادر اولاد خود را ترک می‌کردند و فرزندان هم از نیکی به آن‌ها خودداری می‌کردند.^۱

و یادآوری این نکته از سعدی شیرازی، خالی از لطف نیست: وقتی به جهل جوانی، بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی گفت: «مگر خُردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟»

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش	چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن
گر از عهد خُردیت یاد آمدی	که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی در این روز بر من جفا	که تو شیرمردی و من پیرزن



گام ششم: نیک‌سیرتی در خانه



به این سخن حضرت رضا علیه السلام باید گوش جان سپرد: «در قیامت، کسی به من نزدیک تر است که در دنیا، خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نیکوکارتر باشد.»^۱ حضرت رضا علیه السلام ساده زیستی را با آراستگی جمع کرده بودند و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران می شمردند.^۲ امام ضمن حفظ آراستگی خود در خانه، بر آراسته بودن مرد در خانه تأکید می داشتند:^۳ محاسن خود را با خضاب سیاه می کردند^۴ و موهای سر و صورت خود را شانه می زدند.^۵ ایشان عطرزدن را از اخلاق پیامبران می شمردند^۶ و همگان را به این ویژگی سفارش می کردند: «بر هیچ کس

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۲. تحف العقول، ص ۴۵۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰.

۴. همان.

۵. همان، ج ۷۳، ص ۱۱۵.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۱۲.



روا نیست که از به‌کاربردنِ عطر در هر روز، خودداری کند و اگر قدرت نداشت، یک‌روز در میان خود را خوشبو کند و اگر باز هم نتوانست، در روز جمعه حتماً بوی خوش استعمال کند.^۱

امام رضا علیه السلام به آنان که دارای امکانات هستند، لازم می‌شمردند که خانواده خود را در رفاه و آسایش قرار دهند^۲ و می‌فرمودند: «شایسته است که مرد بر خانواده‌اش، از جهت مالی، توجه بیشتری کند تا آرزوی مرگ او را نکنند.»^۳ ایشان بر فراخی منزل تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «زندگی دنیا و لذت آن، در بزرگی منزل و دوستان زیاد است.»^۴ حضرت رضا علیه السلام برای یکی از خدمتکاران، خود منزلی خریدند و فرمودند که چون منزل شما تنگ است، در آنجا ساکن

۱. شیخ صدوق، *خصال*، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲. *وسائل الشیعه*، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۳. همان.

۴. عطاردی، *مسند الامام رضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۳۷۴.



شو! آن مرد گفت که پدرم در اینجا زندگی می کرد. فرمودند: «اگر پدرت نادان بود، تو هم باید مانند او باشی؟!»^۱

امام بر خوش اخلاقی و نیک رفتاری با خانواده توصیه می فرمودند: « أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ. » (= در قیامت، کسی به من نزدیک تر است که در دنیا، خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نیکوکارتر باشد).^۲ همچنین، وقتی سخن از خانواده می رود، باید از صلۀ رحم و آمدوشد با خویشاوندان سخن گفت؛ رفت و آمدی که با نیکویی و عدم آزار همراه باشد. به فرمودۀ امام رضا (علیه السلام): «با خویشاوند، محبت و پیوند کن؛ ولو به جرعه آبی و بهترین صلۀ رحم، خودداری از آزار اوست.»^۳

۱. بحار/الانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۳. تحف العقول، ص ۴۴۵.

گام هفتم: نظارت و اصلاحگری



مسلمان، صالح است و مُصلِح: او نخست با برپایی نماز و انس با خدا عَلَيْهِ السَّلَام و دوری از گناه، به اصلاح خود می‌اندیشد و در مرتبه بعد، وظیفه اصلاح دیگران را عهده‌دار است. قرآن این برنامه اجتماعی را، پس از توصیه به نماز، یادآور می‌شود: ﴿وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (= مردم را به نیکی‌ها و معروف دعوت کن و از منکرات و زشتی‌ها باز دار).^۱

امربه معروف و نهی از منکر یکی از مشخصات روحی اسلام است و پروردگار عَلَيْهِ السَّلَام دین خود را بر آن اساس، بنا نهاده و استوار ساخته است: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (= این راه من است. من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم).^۲ نیز: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾.^۳

۱. لقمان/۱۷.

۲. یوسف/۱۰۸.

۳. آل عمران/۱۱۰.



اهتمام اسلام به امر به معروف و نهی از منکر، بدان حد است که غفلت و دوری از آن، عواقب خطرناکی در پی خواهد داشت. حضرت رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت فرمودند: «هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، باید در انتظار عذاب پروردگار باشد.»^۱ جامعه صالح که آن را با اندیشه‌ای سودمند و رفتاری صالح، بنیان نهاده‌اند، باید با تمام امکانات خود، رشد و کمال خود را حفظ کند و اگر کسی یا جمعی، برخلاف مسیر آن، سازی جدا و انحراف گونه زد، نباید او را به حال خود وانهند و باید به مسیر راست، سمت و سویش دهند: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگاران اند.»^۲ این آیه، از خیر و شر تعبیر به معروف و منکر کرده است، زیرا خداوند عز و جل همگان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و عدم تفرقه دعوت کرده

۱. تهذیب، ج ۶، ص ۱۷۷.

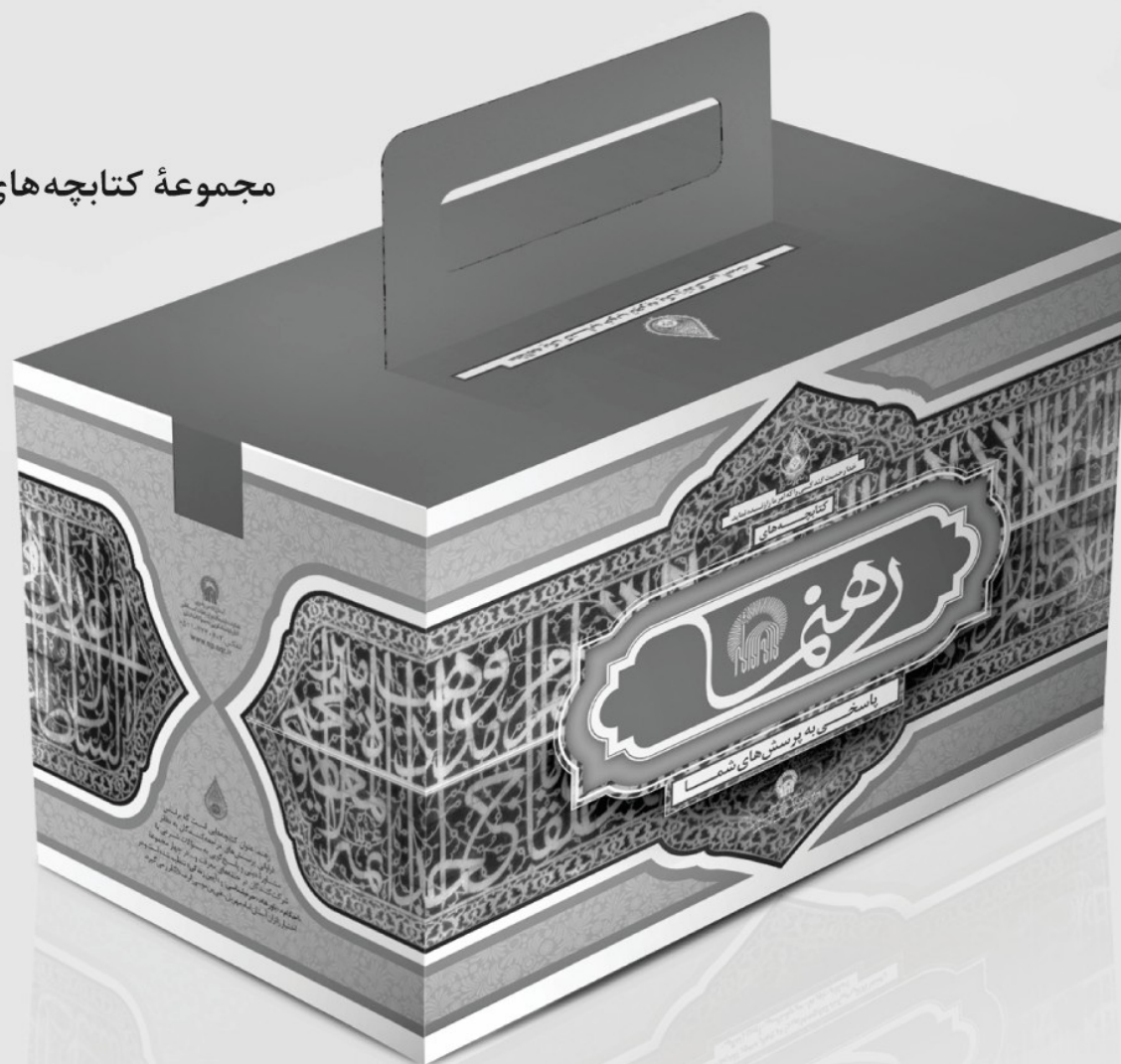
۲. آل عمران/۱۰۴.



است^۱ و طبیعی است که چنین جامعه‌ای، معروف در آن، خیر است و منکر در آن، شر.^۲

۱. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾، آل عمران/۱۰۳.
۲. تفسیر/المیزان، ج ۳، ص ۳۷۳.

مجموعه کتابچه های رهنما



نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.